instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com
روزنامه شرق

گزارش خبری

بزه سوءاستفاده جنسی از کودکان

چندی پیش یورونیوز در گزارشی خبر داد که براساس نتایج یک مطالعه جدید سالانه بیش از ۳۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان قربانی سوءاستفاده جنسی آنلاین می‌شوند. این اولین بار است که تحقیقاتی درباره آزار و اذیت آنلاین کودکان در مقیاس جهانی انجام می‌شود.

در این گزارش گفته شده بود که محققان دانشگاه «ادینبورو» دریافتند ۱۲.۶ درصد از کودکان جهان (۳۰۲ میلیون) سال گذشته (۲۰۲۳) با قرارگرفتن در معرض تصاویر، ویدئوها و مکالمات نامتعارف در فضای مجازی مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. علاوه‌براین تخمین زده می‌شود که سال گذشته ۱۲.۵ درصد از کودکان در سراسر جهان (۳۰۰ میلیون) با مکالمات و پیامک‌های ناخواسته و بدون رضایت با مضامین غیراخلاقی از سوی بزرگسالان و جوانان مواجه شده باشند. این تحقیق همچنین نشان داد ایالات متحده یکی از مناطق پرخطر برای کودکان محسوب می‌شود. طرح «Childlight» که با هدف درک شیوع کودک‌آزاری راه‌اندازی شده است، نشان می‌دهد از هر ۹ مرد در ایالات متحده یک نفر (تقریبا ۱۴ میلیون) در مقطعی از زندگی خود در فضای مجازی کودکان را مورد سوءاستفاده قرار داده است. یافته‌های این تحقیق همچنین عنوان می‌کند در بریتانیا نیز هفت درصد از مردان «۱.۸ میلیون» در دوره‌ای از زندگی خود تجربه انجام چنین اقدامی را داشته‌اند. بسیاری از مردان شرکت‌کننده در این مطالعه اعتراف کرده‌اند که اگر مطمئن باشند هویت‌شان مخفی نگه داشته می‌شود، باز هم مرتکب جرائم جنسی آنلاین علیه کودکان خواهند شد. پل استنفیلد، مدیر اجرائی «Childlight»، گفت: موارد کودک‌آزاری بسیار رایج شده است، به طوری که در هر ثانیه پرونده‌ای در این زمینه به سازمان‌های نظارتی و پلیس گزارش می‌شود. او در ادامه تأکید کرد این یک نوع بیماری است که به طور تصاعدی در حال رشد است و در هر کشوری رخ می‌دهد و نیاز به یک واکنش جهانی دارد. استنفیلد در ادامه اذعان کرد: ما باید فورا اقداماتی در این زمینه انجام دهیم. این نوع رفتارها باید به‌عنوان یک موضوع بهداشت عمومی که می‌توان از آن پیشگیری کرد، در نظر گرفته شوند. استفان کاوانا، مدیر اجرائی اینترپل، نیز با بیان اینکه رویکردهای سنتی اجرای قانون همچنان ادامه دارد، تصریح کرد: ما باید با هم در سطح جهانی کارهای بیشتری انجام دهیم، ازجمله آموزش متخصصان، اشتراک‌گذاری داده‌ها و تجهیزات بهتر برای مبارزه مؤثر با این بیماری که به میلیون‌ها کودک در سراسر جهان آسیب وارد می‌کند.

خطر سوءاستفاده در فضای مجازی

با گسترش شبکه‌های اجتماعی و میل والدین برای به نمایش گذاشتن زیبایی‌های کودکان‌شان، متأسفانه احتمال قراردادن آنها در معرض سوءاستفاده‌های جنسی فراهم است. چندی پیش حسام‌الدین ریاحی، متخصص اخلاق پزشکی، در همین زمینه به ایسنا گفته بود: «احراز سن قانونی یکی از مهم‌ترین ملاحظات رسانه‌های مجازی است. برخی کشورها با طراحی پروتکل و مدل‌هایی ورود کودکان به فضاهایی را که همراه با فعالیت اجتماعی هستند، مورد حمایت خود قرار می‌دهند، تا استفاده از این محیط‌ها موجب سوءاستفاده از آنان نشود».

او به تشریح طرحی مبنی بر ورود کودکان به فضاهای مجازی و سوءاستفاده نشدن از آنان پرداخته بود: «برخی از شبکه‌های اجتماعی که در حال خدمات‌رسانی آنلاین مانند چت‌روم به کودکان هستند، باید این امکان را داشته باشند که در صورت پایین‌بودن سن کودک به او هر خدماتی ارائه ندهند، به دلیل اینکه امکان ورود افراد سودجو به این فضاها و سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان بسیار زیاد است.

براساس دستورالعمل‌هایی، به کودکان توصیه می‌شود که اطلاعات شخصی خود را در فضاهای مجازی مخفی نگه دارند، چون هر لحظه احتمال سوءاستفاده از آنان وجود دارد، بنابراین خانواده‌ها باید در این محیط‌ها کودکان خود را همراهی کنند».

او تأکید کرده بود: «آموزش‌های لازم برای استفاده کودکان از فضاهای مجازی که به صورت مقطعی انجام می‌شود، باید به صورت گسترده پیگیری شود و نهادهای مختلف مانند آموزش و پرورش و نیروی انتظامی باید با شبکه رسانه‌های ملی مرتبط شوند تا آموزش‌های لازم از این طریق به کودکان ارائه شود».

به دلیل اهمیت این موضوع برنامه‌ای تحت کنترل وزارت بهداشت جهانی WHO تدوین شده است. در این برنامه، گروهی از ۱۰ آژانس بین‌المللی مجموعه‌ای از راهبردهای موسوم به INSPIRE را ارائه کردند که در کل هفت راهبرد برای پایان‌دادن به خشونت علیه کودکان مطرح شده است. هر حرف از کلمه INSPIRE یکی از این راهبردها را نشان می‌دهد و بیشتر آنها در جلوگیری از انواع مختلف خشونت در بخش‌هایی از قبیل بهداشت روان، آموزش و کاهش جرائم هستند. این هفت راهبرد عبارت‌اند از:

۱-اجرای قوانین: منع رفتار خشونت‌آمیز و محدودکردن دسترسی به الکل و سلاح گرم.

۲-هنجارها و ارزش‌ها: اصلاح هنجارهای فرهنگی که باعث سوءاستفاده جنسی از دختران یا رفتار پرخاشگرانه بین پسران می‌شود.

۳-محیط‌های ایمن: یعنی شناسایی نقاط ویژه برای خشونت در محله و سپس پرداختن به دلایل محلی از طریق سیاست‌هایی که برای حل مشکلات و ارائه انواع دیگر برنامه‌ها انجام می‌شود.

۴-حمایت والدین و مراقبان: اطلاع‌رسانی به والدین و جوانان که باعث آگاهی بیشتر آنان شود.

۵-درآمد و تقویت اقتصادی: مانند امور مالی خرد که موجب برابری اقتصادی بین زن و مرد می‌شود.

۶-خدمات و پشتیبانی: تضمین زندگی کودکانی که در معرض خشونت قرار دارند و نیازمند مراقبت‌های اضطراری و خدمات روان‌پزشکی و اجتماعی هستند.

۷-آموزش مهارت‌های زندگی: مانند اطمینان از حضور کودکان در مدرسه و ارائه آموزش‌های زندگی و دیگر مهارت‌های اجتماعی.

به‌تازگی دبیر مرجع ملی حقوق کودک از تدوین پیش‌نویس لایحه «حمایت از کودکان در فضای مجازی، رسانه‌ای و فرهنگی» خبر داده و گفته است: «مرجع ملی حقوق کودک درباره تصمیم‌گیری برای تصویب برخی مقررات پیش‌بینی‌شده قصد جمع‌سپاری و نظرسنجی از جامعه را دارد؛ چراکه برخی از این فعالیت‌ها مربوط به فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه و خانواده‌هاست».

سیدعلی کاظمی دراین‌باره به ایسنا گفته است: «از سال گذشته کمیته‌ای تحت عنوان حمایت از کودکان در فضای مجازی با هدف جلوگیری از بهره‌کشی از کودکان در فضای مجازی و خطراتی که در فضای مجازی می‌تواند گریبان‌گیر کودکان شود، تشکیل شد. براساس بند «د» ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی و... باشد، هرزه‌نگاری تلقی می‌شود و همچنین طبق بند ژ ماده ۳ این قانون بهره‌کشی از اطفال و نوجوانان از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز است و در ماده ۱۰ و ماده ۱۵ این قانون برخی مجازات‌ها را برای اشخاصی که کودکان را مورد بهره‌کشی قرار می‌دهند یا مورد هرزه‌نگاری و ارتباطات نامناسب در فضای مجازی قرار می‌دهند، در نظر گرفته است». به گفته او باوجوداین درباره بهره‌کشی والدین از کودکان‌شان در فضای مجازی قانون ابهامات زیادی دارد و لازم است در این راستا اصلاحاتی انجام شود. براساس‌این قرار بود در ابتدا در راستای مقابله با بهره‌کشی از کودکان در فضای مجازی از طرف «والدین سوءاستفاده‌گر» یا دیگران کمیته‌ای تشکیل و مقرراتی تدوین شود، اما پس از آن تصمیم بر این شد که صرفا یک موضوع خاص مورد هدف قرار نگیرد، بلکه در حوزه‌های رسانه، فرهنگ و فضای مجازی، حمایت از کودکان مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادهایی برای دولت آینده در گفت‌وگو با دکتر حسین قناعتی و دکتر امیرپاشا طبائیان

مشکل ما حکمرانی است

امیر صدری

در سلسله گفت‌وگوهای «سلامت بدون سانسور» در حاشیه همایش‌های انجمن‌های مطالعات کبدی و آندوسکوپی‌های گوارشی در استودیوی خبری و رسانه‌ای همایش‌های مشترک هپاتیت، آندوسکوپی گوارشی و جامع گوارش و کبد، گفت‌وگوهایی در راستای ارائه راهکارها و پیشنهادهایی به دولت آینده و وزیر بهداشت آینده در حوزه سلامت شکل گرفت. دکتر امیرپاشا طبائیان، معاون آموزشی نظام پزشکی تهران بزرگ و دبیر انجمن‌های علمی مطالعات کبدی و آندوسکوپی‌های گوارشی و دکتر حسین قناعتی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران، به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی به دولت آینده و وزیر بهداشت آینده اقدام کردند. مشروح این دو گفت‌وگو را در ادامه خواهید خواند:

آقای دکتر قناعتی ما در مقطع مهمی از تاریخ هستیم، در زمانی که مقطع انتخاب نفر اول قوه مجریه کشور است. در مقطعی نابهنگام که یک اتفاق ناگوار باعث شد در مدت‌زمان کوتاهی افراد خودشان را نامزد کنند و قاعدتا برنامه‌ریزی قبلی برای آن کار نداشته باشند. با توجه به اینکه سلامت مقوله‌ای چندبعدی و بسیار مهم است، بفرمایید چه توصیه‌ای برای فردی که برای ریاست قوه مجریه انتخاب می‌شود، در حوزه حرفه‌ای خود دارید؟

می‌خواهم این‌طور شروع کنم، مشکل کشور ما حکمرانی است، یعنی اگر بتوانیم حکمرانی با راندمان بالا داشته باشیم، خیلی از مشکلات حل می‌شود. من مصاحبه‌ای کردم که با پولی که الان در دانشگاه ما هست، به‌راحتی می‌شود یک‌ونیم دانشگاه دیگر را هم چرخاند، به شرطی که بتوانیم مدیریت بهینه‌ای داشته باشیم. مثال می‌زنم؛ معاونت درمان و معاونت بهداشتی ما در خیابان حافظ ساختمان پرخطری بود. به‌سختی رفتیم ساختمانی گرفتیم، برای گرفتن آن شش ماه طول کشید تا برای خرید مجوز بگیریم، اینها زمان است، زمان هم سرمایه و پول است. پیشنهادم این است که اولین کاری که رئیس‌جمهور محترم بکند، این باشد که تا جایی که ممکن است، مقررات‌زدایی بکند. دولت به نقش اصلی خودش یعنی تولیت برگردد و اجرا را به مردم، بخش خصوصی، نه به صورت خصولتی واگذار کند. متأسفانه هرچه خصوصی‌سازی بوده، خصولتی‌سازی بیشتر در آن بوده تا خصوصی‌سازی. ما رئیس‌جمهوری می‌خواهیم که قوی باشد، کاربلد باشد، همه‌جوره کار کند، تجربه طولانی داشته باشد، در قوای مختلف حضور داشته باشد و کارنامه اجرائی مشخص داشته باشد. ما پزشک‌ها یک مثال داریم که دارویی در این ویترو (مثلا محیط آزمایشگاه) جواب داده در این ویو (بدن انسان) ممکن است جواب ندهد. خواهشم از مردم این است که سنجیده انتخاب کنند که الحمدلله این رشد را هم در این انتخاب در آنها می‌بینیم که احساسی رأی نمی‌دهند؛ یعنی مردم دیگر برای‌شان مهم نیست چپ بیاید یا راست بیاید. می‌خواهند کسی بیاید و کار مملکت را جلو ببرد. واقعا در این تجربه سه‌ساله دانشگاه خیلی خوشحال هستم، چون دوره خیلی خوبی بود، ما با تیم‌مان در این دوره موفق شدیم در عراق یک شعبه بزنیم با ۶۰۰ دانشجو که این بزرگ‌ترین تحول آموزش بین‌المللی ایران بود، در تاریخ کشور ایران. یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کردند و الان استادان ما دارند می‌روند آنجا کار می‌کنند، اولین فارغ‌التحصیلان ما دو هفته دیگر می‌آیند بیرون. درباره هوش مصنوعی، درباره فناوری و انتقال فناوری در دانشگاه علوم پزشکی تهران کارهای بزرگی شد. در زمینه آموزش هم تحولات خوبی ایجاد کردیم.

آخرین جملات را هم بگویم، مبارزه با فساد، شایسته‌سالاری، شفافیت، قانون‌گرایی، حکمرانی صحیح و آموزش، آموزش مستمر، اینها راه نجات ما است.

درباره بحث مهاجرت‌ها هم باید ببینیم مشکل کجا است، حل کنیم. با خواهش و تمنا که نمی‌شود آدم‌ها را نگه داشت. قسمتی از مسئله را باید بگوییم، اینجا وطن ما است، باید خدمت کنیم و خیلی مسئله مهمی است و واقعا اگر به هر آدم وطن‌پرستی یک ماه هم پول ندهند، می‌ایستد رایگان کار می‌کند ولی بالاخره همه در این حد و درجه نیستند. ما نمی‌توانیم آدم‌ها را مجبور کنیم بلکه باید تأمین کنیم. در زمینه مسائل فرهنگی هم کار اساسی و خوبی را شروع کردیم، درباره گفت‌وگو با دانشجوها، با تمام گروه‌ها ارتباط داریم؛ یعنی من سه دور راند کردم تمام گروه‌ها را تک‌به‌تک. یکی از استادانی که از لحاظ فکری با من زاویه دارد، به من گفت با تو از نظر فکری خیلی فاصله دارم ولی تشکر می‌کنم، گفتم چه تشکری؟ گفت ۲۵ سال است در دانشگاه هستم، یک رئیس دانشگاه نیامد به بخش ما سر بزند ولی شما سه بار آمدی. گفتم وظیفه است، در زمینه شنبه‌های نیکوکاری یک کاری را شروع کردیم که بچه‌ها را می‌آوریم در کار خیر، هفت، هشت میلیارد تومان تا به حال جمع کرده‌ایم که خود بچه‌ها دادند. من خودم یک قسمتی را گذاشتم و این را دادیم مواد غذایی خریدیم و اینها را به خانواده‌های فقرایی که شناسایی کردیم دادیم. سلامت یعنی سلامت چندمؤلفه‌ای، یعنی حال خوش، فقط این نیست که ما مریضی را برطرف کنیم، ما باید سلامت اجتماعی را ایجاد کنیم، سلامت روانی و سلامت اجتماعی و سلامت معنوی که ما خوشبختانه برای سلامت معنوی پیش‌زمینه خیلی خوبی داریم. یکی از اشکال‌های مهم این بوده که مرتب ساختمانی ساختند و مدیران نیمه‌کاره رها کردند. مدیر بعدی نیامد که آن را تمام کند. یکی از کارهایی که شهید رئیسی و از کارهای خوبی که کردند، این بود که پروژه‌ای را کلنگ نزدند؛ بلکه پروژه‌های قدیمی را تمام کردند. ما پروژه بیمارستان المهدی را تمام کردیم، پروژه بیمارستان کودکان و اسلامشهر و... . یکی از کارهایی که انجام شد، شبکه بهداشتی را تقویت کردیم. در زمینه فرزندآوری خیلی کمک کردیم، یادمان باشد فرزندآوری مهم است. بعضی‌ها ممکن است انتقاد کنند فرزند که می‌خواهد بیاید، پشتیبانی مالی می‌خواهد. بله، اینها درست است، ولی به نظر من ایران کشور فرصت‌ها است.

یکی از مهم‌ترین ضعف‌هایی که ما داریم و من سعی کردم در این مدت برطرف کنم، نداشتن دانش مدیریت در مدیران ما است. قبل از اینکه رئیس دانشگاه باشم، به خاطر علاقه شخصی خودم، هم رفتم MBA خواندم، هم DBA خواندم. در دانشگاه هم راه انداختیم؛ یعنی با بچه‌ها صحبت کردیم که مدیران باید کلاس‌های مدیریتی را بگذرانند. به آنهایی هم که مدرک ندارند، فرصت دادیم در کلاس‌ها شرکت کنند. لازمه مدیریت، داشتن علم است. وقتی من استراتژیک پلن بلد نیستم، وقتی بلد نیستم با نیروی انسانی چطور برخورد کنم، نمی‌توانم مدیریت کنم. ما اگر بتوانیم مقوله مدیریت را حل کنیم، حرف اول را می‌زنیم. به قول مولانا که می‌گوید: اول ای جان دفع شر موش کن/ بعد از آن در جمع گندم کوش کن.

دانشگاه شما به‌نوعی یک مدل کوچک از وزارت بهداشت است. شما می‌گویید یکی از اصلی‌ترین راه‌های موفقیت این است که بخش خصوصی در کار بیاید. آیا امکان‌پذیر است؟ شما خودتان در دانشگاه تهران اصلا به بخش خصوصی فضا دادید؟

من تلاش کردم و مدل‌هایی را هم با کمک خیران چند درصدی این کار را انجام دادیم. این کار شدنی است. اما من بالاخره یک مدیر ایرانی هستم و بالادست دارم و واقعا جای تأسف دارد که بعضی چیزها، بعضی از کسانی که بالادست ما بودند، حتی در چیدمان بخش من هم می‌خواهد دخالت کند. این‌طوری نمی‌شود کار کرد. باید چرخ‌دنده‌های سیستم روان بچرخد. برای روان‌چرخیدن، هرکسی باید کار خودش را بکند و هرکسی باید جایگاه خودش را بشناسد. نمی‌شود از فلان جایگاه بالای کشور بیایند در مسائل ما دخالت کنند. به قول معروف تفکیک قوا انجام بشود و هرکسی کار خودش را درست انجام بدهد، البته به نظرم در مسیر رشد هستیم، رشدهای خوبی را شاهد بودیم؛ مثلا شرکت‌های دانش‌بنیان در دوره ما در دانشگاه سه برابر شده و فوق‌العاده کار شده است.

من سعی کردم برخی چیزها را تغییر بدهم. مدلی هم که برای مدیریت انتخاب کردم مدل مسطح بود یعنی همان‌طور که پیامبر اسلام وقتی آدمی وارد می‌شد در آن جایی که امیرالمؤمنین یا حضرت رسول نشسته بود می‌پرسید محمد کیست؟ در اسلام مدیریت حلقه مسطح است و جالب است که در جبهه‌های جنگ هم همین‌طور بود؛ شهید سلیمانی، شهید همت و شهید باکری که از آنها یاد می‌کنم اینها آدم‌هایی خاکی بودند، با هم رفیق بودند و این شیوه را به کار گرفتند. من هم سعی کردم همین کار را بکنم و واقعا از کار لذت می‌برم. البته بگویم خانواده من به شدت اصرار دارند که از کار اجرائی کنار بکشم و می‌گویند ما در این سه سال از تو محروم هستیم. از ما هم بالاخره سنی گذشته و دوست دارم به لحاظ شخصی بروم سر زندگی خودم ولی آنچه تکلیف باشد در اینجا یا بالاتر یا پایین‌تر انجام خواهم داد و کوتاهی نخواهم کرد.

طبائیان: وزیر بهداشت آینده پزشک خانواده را اجرائی کند

به‌عنوان سؤال اول به‌عنوان یک کارشناس باتجربه این حوزه اگر بخواهید به رئیس دولت جدید پیشنهادهایی در حوزه سلامت ارائه بدهید چه پیشنهادهایی دارید؟

بحث سلامت بحث بسیار مهمی است که همه دولت‌ها با آن درگیر بودند، نکته‌ای که وجود دارد این است که هرکسی که ریاست دولت را عهده‌دار شود باید سیاست‌های کلی سلامت را که از طرف مقام معظم رهبری ابلاغ شده، سرلوحه کار خود قرار بدهد. اگر بتوانیم این سیاست‌ها را اجرا کنیم، قطعا خیلی از مشکلاتمان برطرف می‌شود. کارهای خیلی خوبی در این دولت انجام شد. به هر حال من خودم شاهد این زحمات بودم، اما در هر کاری که انجام می‌شود یک‌سری هم نقص و ایراد وجود دارد که ان‌شاءالله دولت بعدی بتواند سیاست‌های خوبی را که اجرا شده، ادامه بدهد و آن جاهایی را که نقص و اشکال وجود داشته برطرف کند. از مواردی که بسیار مهم است بحث نظام ارجاع، پزشک خانواده یا در این دولت به اسم سلامت خانواده و همچنین پرونده الکترونیک است که کارهای خوبی انجام شد، به هر حال نسخه الکترونیک کار خوبی بود که اجرائی شد و پرونده الکترونیک هم کارهایی برایش انجام شده ولی می‌دانیم هنوز به آن نتیجه قطعی نرسیده، بحث نظام ارجاع و بحث پزشک خانواده بحث مهمی است که سال‌ها در همه دولت‌ها مطرح بوده، خیلی از وزرا خواستند آن را اجرا کنند ولی متأسفانه به صورت قطعی اجرا نشد و ان‌شاءالله نفر بعد بتواند این بحث را اجرائی کند. نکته مهم بعدی بحث پیشگیری است. درست است که باید کارهایی برای درمان انجام بدهیم ولی پیشگیری مهم‌تر است و بحث پیشگیری در بیماری‌ها را باید حتما در اولویت کار قرار بدهیم. چه بهتر اینکه با فرهنگ‌سازی بتوانیم جلوی فشار خون و دیابت را بگیریم یا در رشته من بتوانیم جلوی کبد چرب را بگیریم. با کار برنامه‌ریزی‌شده و پیشگیری خیلی از مشکلات حل شده و بار مالی سنگینی که به بخش درمان و کلیت نظام سلامت وارد می‌شود را می‌شود کمتر کرد.

بحث انضباط مالی هم بسیار مهم است. وزارت بهداشت از نظر بودجه یکی از بزرگ‌ترین وزارتخانه‌هایی است که بودجه را دریافت می‌کند و حتما انضباط مالی در این وزارتخانه باید به طور کامل برقرار باشد. حوزه‌های مختلفی در وزارت بهداشت داریم و شاید یک نفر اشراف کامل روی همه حوزه‌ها نداشته باشد. معاونت آموزشی، معاونت درمان، معاونت بهداشت، معاونت غذا و دارو، تجهیزات و سایر قسمت‌ها اینها هرکدام‌شان نیاز به کارشناسی دارد که در آن حوزه کار کرده باشد، استفاده از افرادی که در آن حوزه مسلط باشند نکته مهمی است و باید حتما مورد تأکید قرار بگیرد که از افرادی استفاده بکنیم که در آن حوزه مشخص کار کرده باشند.

وزیر جدید از کدام نهاد یا افراد می‌تواند بهترین مشورت‌ها را بگیرد؟

می‌شود یک شورای مشورتی یا یک شورای سیاست‌گذاری در حوزه سلامت ایجاد کرد که بتواند به وزیر آینده مشورت بدهد. اگر شورای سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف در وزارت بهداشت تشکیل بشود، اینکه چه افرادی در چه حوزه‌هایی صاحب‌نظر هستند کاملا مشخص است و خیلی راحت می‌توانند با این افراد مشورت کنند به شرط اینکه وزارت بهداشت وارد سیاست نشود. حوزه سلامت حوزه‌ای است مجزا از سیاست و هیچ زمان حوزه سلامت نباید با سیاست درگیر باشد به این علت که حوزه سلامت یک حوزه تخصصی است، اینکه پرونده الکترونیک داشته باشیم واقعا با سیاست خیلی ارتباطی ندارد یا اینکه ما در حوزه سلامت‌مان نیاز به تمرکز بر حوزه پیشگیری از بیماری‌ها داریم، این با سیاست ارتباطی ندارد. در این دولت در بعضی از حوزه‌ها اتفاقات خوبی افتاد؛ یکی در بحث پرستاری، برای اولین بار بعد از چندین سال مصوبه تعرفه پرستاری اجرا شد ولی اشکالاتی هم داشت بالاخره هر مصوبه‌ای که در ابتدا اجرا می‌شود اشکالاتی دارد. حتما باید در دولت بعد اصلاح تعرفه پرستاری را داشته باشیم ضمن اینکه برای پرستارهایمان بحث اضافه کار اجباری را داریم با عدد ناچیز ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان برای هر ساعت، حتما باید اصلاح شود. درخصوص سایر موارد مثالی بزنم مثلا با گروه تغذیه صحبت کردیم، با متخصصان زنان، با متخصصان بیهوشی، با فوق تخصص‌های ICU، با متخصصان گوارش با همه اینها صحبت کردیم واقعا اکثر بحث‌هایشان بحث کارشناسی است و حرف‌های درستی است. حرف درست باید شنیده شود، صحبت‌های کارشناسی باید شنیده شوند. درخصوص سایر مسائل بحث رزیدنت‌ها بحث مهمی است که به هر حال در این دولت خیلی به آنها رسیدگی شد. حقوق‌شان خیلی بیشتر رسید شد و به عدد ۱۲ میلیون تا ۱۴ میلیون تومان و برای متأهلان به عدد بیشتری رسید ولی باز هم جبران زحمات این عزیزان نمی‌شود و باید فکری کنیم که شرایط را برایشان بهتر کنیم. واقعا مشکلی نداریم که بگوییم اینها را نمی‌شود حل کرد، ولی آن چیزی که باید داشته باشیم این است که بخواهیم، وقت بگذاریم، کار کارشناسی کنیم، برایمان اهمیت داشته باشد، می‌توانیم مشکل گروه‌های مختلف پزشکی را حل کنیم. هدف اصلی این است که آلام مردم کم بشود و همان‌طور که رهبر بزرگ‌مان گفتند دردی به غیر از درد بیماری نداشته باشند. باید سعی کنیم این شرایط را برای بیماران فراهم کنیم. خوشبختانه در این دولت پنج دهک اول به صورت رایگان بیمه شدند، باز هم باید بحث پوشش همگانی بیمه‌مان و دسترسی افراد به بیمه را بیشتر کنیم، از طرفی باید با اصلاح تعرفه‌ها پزشک‌مان را بتوانیم نگه داریم، باید شرایط را فراهم کنیم که پزشک‌مان در بیمارستان‌های دولتی‌مان بماند.

به نظر شما مهم‌ترین چالش وزیر بهداشت آینده چیست؟

مهم‌ترین چالش بحث پزشک خانواده و پرونده سلامت است که باید حتما اجرا شود. البته کار سختی است و قطعا می‌تواند یکی از چالش‌های بزرگ آینده حوزه سلامت باشد، چون همه دولت‌ها وارد آن شدند، ولی نتوانستند آن را به سرانجام برسانند. معتقدم این کار واقعا شدنی است. واقعا اگر بخواهید یک کاری انجام بدهید و تمام و کمال بر آن متمرکز شوید، آن کار انجام می‌شود ولی کار خوب باید همه موارد در طراحی و اجرا در نظر گرفته بشود. استفاده از نظر کارشناسان مختلف، انضباط مالی در کار و اراده و عزم جدی برای پایان‌دادن به مشکلات طرح مهم است.

گزارش نشست جنسیت و اقتصاد در مؤسسه رحمان

فقر زنـــان ثروتمنـد

گرچه آمارها نشان می‌دهند سهم زنان و مردان از جمعیت دانشجویان دانشگاهی برابر شده، حتی در آمارهایی مثل ورودی‌های دانشجویان در دانشگاه‌های سراسری طی سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ سهم زنان به بالای ۶۰ درصد رسیده است، اما هنوز سهم زنان از اشتغال رسمی نهایتا به ۱۴ درصد می‌رسد. این یعنی سرمایه کمتر، مالکیت کمتر و سهم بسیار کمتر زنان از موقعیت‌های شغلی به‌ویژه رده‌های بالا که با آمارها هم می‌خواند. به شکلی عجیب، زنان در ایران، حتی به نسبت کشورهای منطقه و هم‌ارز ما، فقیر هستند و این تصادفی نیست. این حاصل پژوهشی درباره خشونت اقتصادی علیه زنان است.

زنی فقیر، خانواده‌ای ثروتمند

نفیسه آزاد، جامعه‌شناس و پژوهشگر شهر و جنسیت، از اشاره به پروژه‌ای سه‌ساله درباره مسئله اقتصاد زنان شروع می‌کند و پیش از همه از قانون و تأثیری که بر فقیرشدن زنان می‌گذارد، می‌گوید: «زنان در ایران بسیار فقیر هستند، در آمارهای کلان سهم‌شان از اشتغال رسمی چیزی بین ۱۲.۸ تا ۱۴ درصد گزارش شده و درصد مالکیت بر زمین بسیار پایینی دارند و سهم‌شان از مدیریت ارشد و تصمیم‌سازی اقتصادی بسیار پایین است. در واقع به شکلی عجیب، زنان در ایران، حتی به نسبت کشورهای منطقه و هم‌ارز ما، فقیر هستند و این تصادفی نیست. در سویه اول این مطالعه همه قوانینی بررسی شده که به شکلی در مسئله اقتصادی برای زنان مؤثر بوده‌اند، آنچه گرفته می‌شود و داده می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد تا چه حد قانون و به‌ویژه قانون مدنی، مانع اقتصادی برای زنان است».

این فقیربودن زنان و طرد آنها از دسترسی به منابع مالی و قدرت نه‌فقط در فضای اجتماعی بلکه در خانواده خود آنها نیز جریان دارد و شاید از آنجا شروع می‌شود. آزاد این شرایط را در دو مقوله خشونت آشکار و پنهان دسته‌بندی می‌کند و درباره نوع آشکار آن با اشاره به مطالعه توضیح می‌دهد: «در خشونت آشکار دو موضوع فقر زنان در خانواده و دیگری «پول خانواده، مشترک برای زنان و شخصی برای مردان» مطرح است. با مواردی مواجه هستیم که خانواده متمول است اما زن در آن خانواده فقیر می‌ماند. در مواردی اشاره می‌شد که زنان در خانواده‌های متمول اشاره می‌کردند که برای انجام کارهایی مثل هدیه برای یکی از نزدیکان یا یک‌سری از کارهای روزمره پول کافی ندارند، چون در واقع پولی که برای خانواده است به طور مشترک برای زنان نیست. ما عموما طبقه اقتصادی خانواده را یکسان برای زنان آن خانواده در نظر می‌گیریم اما این‌طور نیست، طبقه اقتصادی زنان در خانواده با خانواده برابر نیست. زنان به طور معمول تصور می‌کنند که در پول خانواده سهیم هستند اما مردها چنین ایده‌ای از پولی که به دست می‌آورند ندارند. این پولی است که مرد درمی‌آورد و مرد به صلاح‌دید تقسیم می‌کند، گرچه در مواردی توافقاتی نیز ممکن است صورت بگیرد. زنان تصور دارند در ابتدا در شرایط اقتصادی مرد شریک می‌شوند اما در واقع زن شریک نیست، بلکه به میزانی که مرد بهره بدهد می‌تواند از آن شرایط اقتصادی بهره ببرد. در این خانواده‌ها که همه طبقه متوسط و مرفه هستند پول هست اما تصمیم‌گیری برای خرج آن برعهده مرد است».

مالکان بی‌قدرت

از نظر این پژوهشگر و بنا بر پژوهش مسئله تنها پول خانواده نیست. آزاد در خشونت پنهان اقتصادی نسبت به زنان عنوان «مالکان بی‌قدرت» را مطرح می‌کند: «زن تملک دارد اما اختیار آن را ندارد. همان زنی که پولی را برای خرید هدیه نداشت، سه دنگ از همان خانه شیک در یک محله مرفه را به نام خود دارد اما آن سه دنگ را نه می‌تواند تبدیل به قدرت کند و نه پول. خانم دیگری مالک بخش عمده‌ای از سهام شرکت همسرش بود اما در هیئت‌مدیره و تصمیمات شرکت نمی‌کرد، چون فقط به سبب مشکلات قانونی که زمانی پیش آمده بود، همسرش صلاح دیده بود این درصد به نام او شود. همه اینها یعنی داشتن مالکیت برای این زنان باعث نمی‌شود قدرت و تصمیم‌گیری و بهره‌برداری از آن چیزی که به زنان انتقال پیدا کرده در اختیار آنها قرار بگیرد. بنابراین زن همچنان از نظر مالی در شرایط دیگری قرار دارد. حتی انتقال ارث‌ها به زنان به این معنا نیست که می‌توانند شخصا درمورد آنها تصمیم بگیرند، اصولا تصمیم‌گیری درخصوص پول‌های بزرگ برعهده مردان است و انبوهی از تصمیم‌های ریز و کوچک هم برای زنان.

در مقابل به نظر می‌رسد زنان هم راه‌هایی برای کمی بهترکردن شرایط خود دارند. راه‌هایی که خود باز هم شکلی از نابرابری را در خود دارند مثل کار ارزان و دریافت دستمزد کمتر در برابر کار یکسان با مردان برای حفظ شغل و موقعیت. آزاد در رابطه با این استراتژی‌های زنان ادامه می‌دهد: «یکی از این استراتژی‌ها پنهان‌کردن بخشی از پول به شیوه‌های خاص. دیگری کار ارزان و البته تجارت خرد خانگی است که زنان با مقداری پول بازی می‌کنند و مثلا با تبدیل آن به سکه برای حفظ ارزش و در دسترس نگه‌داشتن آن تلاش می‌کنند. زنان همچنین به گروه‌های زنانه پناه می‌برند و از این طریق از زنان اطراف خود کمک می‌گیرند و صندوق‌های جمعی درست می‌کنند».

این جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه جنسیت و زنان، نتایج پژوهش را این‌طور جمع‌بندی می‌کند: «زنان فقیرترین اعضای خانواده به نسبت فرزندان و همسران‌شان هستند. پول و قدرت در طرد اقتصادی زنان هم‌پیمان هستند، یعنی زنان هم از بازارهای اقتصادی طرد می‌شوند و هم در خانواده از دسترسی به منابع اقتصادی. زنان در خانواده زیستی پیش از ازدواج هم از دسترسی به منابع اقتصادی محروم هستند. در این بین قانون در خانواده ایران، تنش خاموش است، چون برخی امکانات دریافت اقتصادی را به آنها داده است و از سوی دیگر یک وضعیت سلبی شدید نسبت به زنان دارد».

پژوهش ارائه‌شده در نخستین نشست جنست و نابرابری در مؤسسه رحمان با عنوان «تدوین بسته سیاستی مداخله در وضعیت خشونت‌آمیز علیه زنان» توسط نفیسه آزاد همراه با زهرا توحیدی، فاطمه صالحی و راضیه مهردادفر در همین مؤسسه انجام شده است که متمرکز بر زنان شهری به‌ویژه تهران است.

پولِ زنانه، پولِ مردانه

همواره به نظر می‌رسد جامعه نه‌تنها میان ماهیت کار و جایگاه اقتصادی زنان و مردان تفاوت‌هایی قائل است بلکه پول زنانه و مردانه نیز برایش متفاوت است. سهیلا علیرضانژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد و پژوهشگر حوزه جنسیت و زنان در نتیجه تجربه‌اش در برنامه‌های توسعه و توانمندسازی زنان، از جنسیتی‌بودن پول می‌گوید: «تصور می‌کنیم پول به عنوان امری که خارج از کیفیت‌هاست و هرکسی پول داشته باشد می‌تواند از آن استفاده کند اما پول امری جنسیتی و اجتماعی است و هرکسی که پول دارد لزوما کسی نیست که از آن استفاده می‌کند. گرچه این حاصل پروژه‌های روستایی درخصوص زنان است اما آنچه می‌گویم درخصوص زنان روستایی، شهری، فرادست و فرودست است».

ما با یک ساختار جنسیتی مواجه هستیم و میان نوع مواجهه خانواده با ایفای نقش اقتصادی زن، با نوع مواجهه سایر ارکان جامعه با فعالیت اقتصادی زنان، چندان تفاوتی نیست. این عضو هیئت علمی دانشگاه، بنیان این ساخت را در نان‌آوری مرد، مستقل از سطح مالی زن می‌داند: «اعتقاد من بر این است که همان‌قدر که در این ساخت جنسیتی زنان تحت فشار و در حال فروریختن هستند، مردها نیز تحت فشارند و محروم از تصمیم‌گیری درباره زندگی چون تصور می‌کنند که بدهکار دیگران هستند، به‌خصوص در اوایل زندگی. زندگی اقتصادی خانواده بر مبنای درآمد مرد است و بنابراین مرد صاحب دارایی‌های خانه است. در خانه و در محیط کار، درآمد زن و کار اقتصادی او همیشه موضوعی فانتزی یا دست دوم حساب می‌شود. چون تصور می‌شود که او نان‌آور اصلی نیست. کارکردن او یک امر لوکس و فانتزی است و همین نوع نگاه در سیاست‌گذاری کلان هم دیده می‌شود».

ثروت فرودستان

با جنسیتی‌شدن پول هر نوعی از آن به مصارف خاصی می‌رسد و به شکلی متفاوت دیده می‌شود و به باور علیرضانژاد پول مردانه برای همه اهداف و پول زنانه برای اهداف خاص است: «پولی به زن داده می‌شود برای منظوری خاص که مثلا فرزند را جایی ثبت‌نام کند یا کفشی بخرد. حتی زنی که شاغل است و درآمدی برای همه اهداف دارد هم وقتی پولش به خانه می‌رسد صرف اهداف خاص و جزئی‌تر روزمره‌ای می‌شود که مرد حاضر نیست آنها را پرداخت کند. به این صورت است که مشخص نمی‌شود پول زنان کجا هزینه شده. مقدار زیادی از پول زنان خرج هدیه‌دادن می‌شود چون گمان می‌کنیم با این سرمایه‌های مالی سرمایه اجتماعی برای خود می‌سازیم. این رفتارها در زنان و اقوام فرودست دیده می‌شود، در واقع خصیصه فرودستان است. به نگاه آقایان نیز این کار هدر دادن پول است و هرگونه سیاست‌گذاری اتفاق می‌افتد که زن این هزینه‌ها را نکند. همچنین زن پولی می‌سازد که رؤیت‌ناپذیر است، لباسی را اتو می‌کند و پول در جیب همسرش می‌ماند. به همین دلیل است که امکان تهدید برای انجام‌ندادن این کارها برای زن ایجاد می‌شود. بنابراین ما زنان پول و کنش اقتصادی را طوری می‌فهمیم و مردان طور دیگری. در این صورت یک نظارت عالیه روی منابع مالی زن هست که روی منابع مالی مرد نیست و این را قانون و عرف و حتی خودمان پذیرفته‌ایم».

این پژوهشگر به برخی منابع مالی زنان مثل پول توی جیبی از همسر و پدر، دریافت خرج خانه، حقوق حاصل از اشتغال، مهریه و صندوق‌های قرض‌الحسنه اشاره کرد که اغلب از نظارت عالیه مردان در امان نیستند. اما در ادامه ارثیه را به عنوان شکلی از منبع مالی متفاوت برای زنان تشریح کرد: «مرد یا همسر کمترین دخالت را در ارثیه یا درآمد ناشی از آن می‌کند، چون فکر می‌کنند مرد دیگری آن را داده است. اما ماهیت پول به مقدار آن هم در نسبت با طبقه مهم است. در موقعیتی که پول هنگفتی به دست می‌آید، دیگر هیچ چیزی مهم نیست و مرد نظارت عالیه خواهد داشت، چون قرار نیست «زن آن را حیف و میل کند یا هدر بدهد و هدیه دهد». به طور کلی مصرف زنان که در تحقیقات نشان داده شده عمدتا مصارفی برای بچه‌ها و خانواده است، بنابراین بیشتر پول «ما» است و مردها روی این هم نظارت عالیه دارند».

فرهنگ، جنسیتی‌تر از قانون

با همه آنچه به زنان در خانواده و جامعه می‌گذرد، گاهی برخی وضعیت زنان در نگاه عرف و فرهنگ را بدتر می‌دانند. زهرا رهایی، مدیرعامل شرکت ناوک پخش و دبیر انجمن زنان کارآفرین، حضور کم‌رنگ زنان در بازار کار را بنا بر تجربه زیسته می‌بیند: «واقعیت این است که در اقتصاد اصلا جنسیت مطرح نیست و در سیاست‌های مربوط به کارآفرینی و فعالیت اقتصادی زنان نیز همه چیز خوب به نظر می‌رسد اما در عرصه عمل و آمارها می‌بینیم که چقدر آمار اشتغال زنان پایین است. در رشته‌های فنی و مهندسی هم بیشترین کاهش اشتغال را داریم، در حالی که فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و مهندسی زنان بسیار زیاد است. گرچه من با پرسش چرایی اشتغال پایین زنان وارد بازار کار نشدم اما متوجه شدم بازار زبان مردانه و زنانه دارد و زبان زنانه در بازار هیچ گوش شنوایی ندارد. یک دلیل آن الگوی نقش است، زن فعال اقتصادی که بتواند بر پایه داشته‌های خودش و نه بر پایه داشته‌های پدر و همسر و حمایتگرانش کار کند، یا نداریم یا اگر داریم این‌قدر درگیر هستند که اصلا مسئله جنسیت را فراموش می‌کنند. آنها فراموش می‌کنند که به عنوان یک زن باید الگو باشند تا دیگران از آنها یاد بگیرند. دومین مشکل بردن الگوهای ابرزنی در بازار کار است که باعث می‌شود آن‌طور که باید و شاید از کار و زندگی خود لذت نبریم، چیزی که من هارمونی می‌نامم. وقتی سر کار می‌رویم نگران فرزندان خود هستیم و وقتی در خانه هستیم نگران قسط‌هاییم و وقتی همه اینها انجام شد نگرانیم که ورزش نکرده‌ایم و خود را مقایسه می‌کنیم با زنی که در خانه مانده و به تمام اینها رسیده است، یعنی هم با جامعه زنان و هم با خودمان دچار تعارض و مشکل می‌شویم، چون همیشه به یک چیزی و یک جایی مدیون هستیم، در حالی که مردان این درگیری و دغدغه را ندارند. بنابراین حتی اگر محیط مناسب باشد خودمان، خودمان را آزار می‌دهیم. یک قدم که به عقب برویم اینها ریشه فرهنگی و تربیتی دارد».

رهایی در پایان این فشار فرهنگی برای خروج زنان از بازار کار را تنها بر دوش خود زنان نمی‌داند: «از سوی دیگر مردانی که همراه هستند و به زنان خود اجازه خطرکردن و انتخاب آزادانه می‌دهند، در جامعه مردان به شدت تحقیر می‌شوند. خیلی اوقات زمانی که می‌خواهند زنی را از بازار کار بیرون کنند به خود او چیزی نمی‌گویند و به همسر او حمله می‌کنند و تحقیرش می‌کنند. متأسفانه این ادبیات در زنان هم رایج است و زنان را نیز شماتت می‌کنند. به همین دلیل است که فهم من از خشونت، بیشتر چیزی است که زاییده فرهنگ است تا قانون».

یادداشت

پس از انتشار عکس‌هایی از تخریب‌های بافت شیراز و تخت‌جمشید بررسی شد:

هیچ تخریب جدیدی در کار نیست

صبا رضایی

خبرها و عکس‌های جدیدی از تخریب بافت تاریخی شیراز و آسیب به تخت جمشید براثر فرونشست زمین منتشر شده اما کارشناسان معتقدند هیچ تخریب جدیدی صورت نگرفته است. درواقع سال جاری هیچ تخریب سازمان‌یافته‌ای در بافت تاریخی شیراز رخ نداده مگر توسط مالکان خانه‌ها. فرونشست زمین نیز به اعتقاد بسیاری از کارشناسان موجب تخریب تخت جمشید نمی‌شود، چراکه آثار ارزشمند این پایگاه تاریخی ارزشمند در دل کوه ساخته شده‌اند. البته فرونشست اثرات مخرب بسیاری بر محیط زیست و منطقه‌ای که تخت جمشید در آن واقع شده است، دارد اما آثار تاریخی تخت جمشید سالم خواهند ماند. این امر به دلیل تدبیر و درایت نیاکان ما در ساخت چنین بنای باشکوهی است. درایتی که اکنون هیچ از آن باقی نمانده و مسئولان دولتی با بی‌مبالاتی در حال تخریب نه تخت جمشید بلکه ایران عزیزمان هستند. فرونشست در شهرهای مختلف ازجمله اصفهان، هم به میراث فرهنگی و هم میراث طبیعی کشور آسیب‌های فراوانی وارد کرده و مسئولان در مقابل چه می‌کنند؟ هیچ. تخریب محیط زیست کم از تخلف ندارد و باید در مقابل خشک‌سالی و ورشکستگی آبی در کشور چاره‌ای اندیشیده شود. مشکلی که به نظر می‌رسد حتی به ذهن مسئولان هم خطور نکرده است.

چاه آب در منطقه‌ای با معضل فرونشست زمین

از سوی دیگر وزیر میراث فرهنگی چندبار در بازدید از استان فارس و تخت جمشید اظهار کرد که باید ضوابط تعیین محدوده حریم آثار باستانی تغییر کند تا مردم بتوانند به زندگی و کارشان برسند و در پاسارگاد با برداشت از چاه‌های آب، کشاورزی کنند. اطراف تخت جمشید باید چاه‌های آب حفر شود و مردم کشاورزی کنند در صورتی که همین چاه‌های آب عامل اصلی فرونشست زمین در دشت مرودشت هستند. سیدعزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بعدها درباره اظهاراتش گفت: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به دنبال حفر چاه در کنار مقبره کوروش نیست.

عکس‌ها قدیمی هستند

کارشناسان می‌گویند به‌تازگی هیچ تخریبی در بافت تاریخی شیراز مشاهده نشده است و عکس‌ها قطعا قدیمی هستند. البته در مقابل مرمت و آسیب‌های واردشده به بافت تاریخی شیراز هیچ اقدام مثبتی انجام نشده است و عملا بافت تاریخی شیراز به حال خود رها شده تا تخریب شود. محمدمهدی کلانتری، دبیر پویش ملی نجات بافت‌های تاریخی ایران، به «شرق» گفت: به‌تازگی یک کمیته فنی در راه و شهرسازی شیراز تشکیل شده، جلساتی نیز برگزار شده و نتایج مثبتی اتخاذ شده است. مصوبه‌ها در این کمیته به تصویب رسیده و تأیید نهایی می‌شود. همچنین تفویض اختیار به استانداری فارس برای بافت تاریخی شیراز باطل شده است. او افزود: به شورای توسعه استان فارس درباره بافت تاریخی شیراز تفویض اختیار شده بود اما توسط دیوان عدالت اداری باطل شد و مخبر، معاون اول ریاست‌جمهوری نیز نامه‌ای ارسال کرد که طرح باید در شورای‌عالی معماری و شهرسازی وزارت راه و شهرسازی به تصویب برسد. کلانتری گفت: در محل تخریب‌های قدیمی امکان ساخت‌وساز وجود دارد اما تخریب تازه‌ای در بافت تاریخی شیراز صورت نگرفته است. پیش از عید، در بهمن‌ماه سه پلاک ثبت ملی در بافت تاریخی شیراز تخریب شده بود اما بعد از عید هیچ‌گونه تخریبی صورت نگرفته است.

انواع تخریب‌ها در بافت تاریخی شیراز

انواع تخریب‌های سازمان‌یافته از جمله مردمی، عمدی و تخریب بر اثر عدم رسیدگی و سوءمدیریت را در بافت تاریخی شیراز شاهد هستیم. همچنین نصیری، کارشناس مرمت میراث فرهنگی، درباره بافت تاریخی شیراز و خبرهای منتشرشده درباره تخریب‌های اطراف آن گفت: همواره با چند نوع تخریب در بافت تاریخی شیراز مواجه هستیم؛ تخریب سازمان‌دهی‌شده دولتی یا شبه‌دولتی، تخریب‌های مردمی و تخریب‌هایی که بر اثر مرور زمان و عدم رسیدگی صورت می‌گیرند. تخریب‌های مردمی به این طریق است که مالک شبانه خانه تاریخی خود را تخریب می‌کند یا کنتور آب را تخریب می‌کند و یک سال بعد، خانه کاملا تخریب شده است. او افزود: چند سال گذشته در قسمت شرقی شاه‌چراغ چند خانه ثبتی تخریب شد اما دیگر توسط شهرداری و هیچ نهاد دولتی دیگری تخریب سازمان‌یافته را شاهد نبودیم.

فرونشست مرودشت آسیبی به تخت جمشید نمی‌رساند

فرونشست دشت مرودشت اثرات سوء بسیاری بر زندگی مردم منطقه، محیط زیست و حتی گردشگری و بازدید از تخت جمشید بر جای می‌گذارد، اما تأثیری بر آثار ارزشمند تخت جمشید ندارد. گویی نیاکان‌مان می‌دانستند که در آینده دولتی بر سر کار خواهد آمد که از هیچ تخریب و کارشکنی‌ای در بناهای باستانی فروگذار نخواهد کرد. عبدالرضا نصیری، کارشناس مرمت میراث فرهنگی و باستان‌شناس، به «شرق» گفت: از سال ۸۸ درگیر فرونشست زمین در دشت مرودشت هستم. نظرات مختلف بسیاری درباره فرونشست زمین عنوان می‌شود. با توجه به خشک‌سالی و تغییرات در زیر خاک، فرونشست بر اثر خالی‌شدن حفره‌های آب زیرزمینی رخ می‌دهد؛ به این طریق که بر اثر خالی‌شدن حفره‌های آب، زمین خالی شده، نشست می‌کند و فرونشست رخ می‌دهد. او افزود: در تخت جمشید و نقش رستم، در یک لایه بستر خاک دستریز وجود دارد. در نقش رستم، کعبه زرتشت واقع شده است که کف آن حدود پنج متر پایین‌تر واقع شده و ضخامت آن مانند خاک بکر و طبیعی نیست. از دوهزارو ۵۰۰ سال گذشته تاکنون خاک از کوه سرازیر شده است.

تخت جمشید، مقاوم در برابر مسئولان و فرونشست

نصیری با تأکید بر اینکه فرونشست زمین در دشت مرودشت برای تخت جمشید آسیب‌زا نیست، بیان کرد: تمام بخش‌های نقش برجسته تخت جمشید در بستر کوه قرار دارند و فرونشست زمین تأثیری بر آثار واقع‌شده در بستر کوه بر جای نمی‌گذارد. اگر در زیر بستر خاک، بناهایی وجود داشته باشند، تحت تأثیر فرونشست تخریب می‌شوند که این مشکل در تخت جمشید وجود ندارد. سال ۹۰ یک زمین‌شناس پیشنهاد کرد تا درباره فرونشست زمین در دشت مرودشت تحقیق کند اما بودجه در اختیار او و تیمش قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد حفر چاه در اطراف تخت جمشید یکی از مشکلات اصلی فرونشست زمین است. او افزود: پروفسور رئیسی‌اردکانی، زمین‌شناس دانشکده شیراز، در سال ۹۰ پیشنهاد کرد بودجه‌ای ۲۰۰ میلیون‌تومانی در اختیارش قرار بگیرد تا با گمانه زمین‌شناسی دور تخت جمشید و مطالعه لایه‌های خاک، تخمین درستی از میزان آسیب فرونشست به تخت جمشید به دست آید. هنوز این بودجه تأمین نشده است که اکنون باید مبلغ بسیار بالاتری برای چنین مطالعه‌ای در اختیار کارشناسان و تیم تحقیق قرار بگیرد. نصیری گفت: فرونشست اطراف تخت جمشید همواره سوژه ناب رسانه‌ای است اما خطری متوجه تخت جمشید نیست. اگر یک تحقیق کارشناسی درباره فرونشست زمین در دشت مرودشت صورت بگیرد، تمامی گمانه‌زنی‌ها و نگرانی‌های مردم و رسانه‌ها از میان می‌رود. در دنیا ایران را به تخت جمشید زیبایش می‌شناسند اما بی‌توجهی و حتی کارشکنی مسئولان موجب شده این پایگاه تاریخی ارزشمند و جهانی در معرض انواع خطرها قرار بگیرد. نه مردم چنانچه باید نسبت به میراث فرهنگی و محیط زیست کشور خود احساس مسئولیت می‌کنند و نه کارشناسان.